

انرژی خورشیدی:

امروزه می دانیم که سرچشمه غالب شکل‌های گوناگون انرژی مورد استفاده ما انرژی خورشیدی

است. منشاء سوخت‌های فسیلی، جریان آب، باد، جزرومد همگی از انرژی خورشیدی مایه

می‌گیرند. سوخت‌های فسیلی رو به پایانند و استفاده از انرژی جریان آب و باد و مانند آنها

نمی‌توانند تمام انرژی مصرفی جهان را تامین کنند. استفاده از سوخت‌های هسته‌ای از طریق

واکنش‌های شکافت مواد رادیواکتیو موجود در طبیعت مخابراتی در بردارد که ادامه روز افزون

آن به مصلحت انسان نیست و مهارواکنش همجوشی هسته‌ای هنوز امکانپذیر نشده است. انرژی پایان

ناپذیری که در اختیار داریم انرژی خورشیدی است، اما وسایلی که تاکنون برای جمع‌آوری

و استفاده از انرژی خورشیدی ساخته شده است هنوز برای مصرفی ما کافی نیست و از طرف

دیگر بسیار گران تمام می‌شود. با وجود این دانشمندان دو راه در پیش روی دارند؛ یکی کنترل

واکنش‌های همجوشی هسته‌ای و دیگر یافتن راه‌های بهتر و ارزانتر از انرژی خورشیدی است.

آینه‌ها و جعبه‌های داغ:

آیا راهی برای متمرکز کردن پرتوهای نور خورشیدی و متراکم کردن آنها در یک فضای کوچک

وجود دارد؟ در چنین صورتی انرژی بیشتری به این فضای کوچک می‌رسد، دما زیاد می‌شود

و ما می‌توانیم از انرژی خورشیدی بیشتر استفاده کنیم.

اولین آینه‌های خمیده‌ای که برای این منظور مورد استفاده قرار گرفتند به شکل نیمکره بودند.

در این آینه ها پرتوهای کاملاً به یک نقطه باز نمی تابیدند . در حدود ۲۳۰ سال پیش از میلاد ریاضیدانی یونانی به نام دوسیتئوس (Dositheus) نشان داد که آینه ای به شکل سهموی برای باز تاباندن پرتوها به یک نقطه بهتر عمل می کند . یک سهموی به شکل نیمکره کامل نیست اما خیلی شبیه به نیمه کوچک یک تخم مرغ است . نور خورشید بازتابیده از سطح درونی یک سهموی در یک کانون , در یک نقطه مشخص به هم می رسند . در واقع دما در این نقطه بسیار زیاد خواهد بود . امروزه می دانیم که اگر سهموی به طور کامل خمیده باشد و همه را بازتاباند دمای کانون برابر با سطح خورشیدی , یعنی ۶۰۰۰ سلسیوس خواهد بود . این دما به قدری زیاد است که می تواند هر چیز سوختنی را بسوزاند , یا هر چیزی را که نمی سوزد , ذوب کند و به جوش آورد . چنین آینه های کوره های خورشیدی نامیده می شوند . یونانیان باستان نمی توانستند چنین آینه های را بسازند , در واقع تا زمانهای اخیر کسی قادر به انجام این کار نبود .

هنوز هم , داستانی بر سر زبانهاست که ارشمیدس ریاضیدان یونانی آینه های بسیار خوبی ساخته است , و وقتی کشتیهای رومی در سال ۲۱۴ پیش از میلاد شهر او , سیراکوز واقع در ساحل جزیره سیسل را محاصره کرد . ارشمیدس با استفاده از چنین آینه های نور خورشیدی را به طرف کشتیها بازتابانده و آنها را آتش زده است .

ممکن است این داستان در مورد ارشمیدس درست نباشد , نشان می دهد که مردم در آن هنگام درباره امکان استفاده از انرژی خورشیدی به عنوان جنگ افزار می اندیشیده اند .

حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد ابن هیثم، دانشمند مسلمان عرب که در مصر می زیست، کتابی درباره نور نوست و در آن آینه های سهموی را برای متمرکز کردن نور تشریح کرد

حدود سال ۱۲۵۰ میلادی راجر بیکن دانشور انگلیسی که کتاب ابن هیثم را مطالعه کرده بود. اشاره ای داشت. برایکه مسلمان ممکن است از چنین آینه های سهموی به عنوان اسلحه در برابر سپاهیان مسیحی استفاده کنند. وی به مسیحیان پیشنهاد کرد تا نخست این آینه ها را تکمیل کنند. آینه های

جنگی هرگز ساخته نشدند، اما نمونه های کوچکی از آنها ساخته شد. از این آینه های بزرگی که بتوانند در فواصل دور آسیب رسان باشند بسیار سخت بود. اما راهای دیگر برای

متمرکز کردن گرمای نور خورشید وجود داشت پس از آنکه گلخانه های رومی دوباره کشف شدند، این نکته مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۷۶۷ هوارس دوسسور دانشمند سویسی جعبه هایی شیشه ای را طراحی کرد، که یکی درون دیگری بود. هر کدام از این جعبه ها گرمای بیشتری را

نسبت به جعبه بیرونی اش به دام می انداخت، و درونیتترین

جعبه به دمایی می رسد که برای جوشاندن آب کافی بود. چنین جعبه های برای نمایش وسایل

نو ظهور مورد استفاده قرار می گرفتند. در سالهای دهه ۱۸۳۰ جان هرشل اختر شناس انگلیسی بود

هنگامی که وی در آنجا بود جعبه داغی برای پختن غذای خود، طراحی کرد

در این جعبه از چیزی غیر خورشید استفاده نمی شود.

البته، ساختن آینه های خمیده یا جعبه های داغ کاری مشکل و پیچیده بود. اگر کسی برای پختن

غذا یا ذوب کردن فلزی به گرما نیاز داشت. راحت تر آن بود که چوب یا زغال سنگ را بسوزاند، و این کاری بود که تقریباً همه آنجا می دادند.

در سال ۱۷۶۹ جیمز وات، مهندس اسکاتلندی، نخستین ماشین بخار را ساخت که کیفیت نسبتاً خوبی داشت. در این ماشین بخار، گرمای حاصل از سوختن یا زغال سنگ برای جوشاندن آب در فلزی مورد استفاده قرار می گرفت. درون ظرف بخار ایجاد می شد و منبسط می گردید. در اثر انبساط بخار میله های فلزی حرکت رفت و برگشت انجام می دادند. میله ها چرخهایی را می چرخاندند و ماشین به کار می افتاد.

چنین ماشین بخاری به سرعت تکامل یافت و بهتر و بهتر شد. در سال ۱۸۰۰ حدود پانصد ماشین بخار در بقیه اروپا و ایالت های متحد گسترش یافت. این ماشینهای همه نوع کاری را که تا آن زمان به عهده عضلات انسان و حیوان بود انجام می دادند. ماشینهای بخار با چرخهای پره دار این امکان را فراهم آوردند که کشتیهای بخار در مقابل باد و جریان آب به حرکت. چرخهای لوکوموتیو های بخار هم به همین طریق روی ریلهای به حرکت در می آمدند. با ماشینهای بخار انقلاب صنعتی آغاز شد و روش آدمی تغییر یافت.

برای کار کردن ماشینهای بخار، لازم بود که به طور دائم چوب یا زغال سنگ سوزاند شود. اما، چوب یا زغال سنگ در همه جا نبود. بنابراین به ناچار چوب و زغال سنگ را از جاهای دور با هزینه ای زیاد می آوردند. آیا راه بهتری برای ایجاد بخار وجود داشت؟

آیا انرژی نور خورشید می توانست برای جوشاندن آب و تولید بخار مورد استفاده قرار گیرد؟ برای این کار می باید ماشینی خورشید در همه جا وجود دارد و قیمتی هم ندارد.

نور خورشید همچنین می توانست هوا را منبسط کند و آن را به درون لوله های ارگ براند به طوری که ارگ یک نت موسیقی بنوازد. در زمان قدیم مجسمه هایی بودند که وقتی نور طلوع خورشید به آنها می خورد، ک نت موسیقی به وسیله این مجسمه ها یک معجزه است، اما فقط انبساط هوا بود که باعث نواخته شدن موسیقی می شد.

در سال ۱۸۶۶ موشو جعبه داغ بزرگی ساخت که می توانست آب را به سرعت بجوشاند و ماشینهای بخار را به کار اندازد.

وسیله ای موشو ساخته بود بزرگ و بدترکیب بود از این گذشته در فرانسه، وورشید در تمام مدت روز نمی تابید. به خصوص، در زمستان روزها اغلب ابری بودند. بنابراین، بسیاری از اوقات موشو فرصت استفاده از ماشین خورشیدی خود را نداشت. به همین دلیل موشو به الجزایر که مستعمر فرانسه در افریقا شمالی بود رفت. در آنجا نور

خورشید زیادی وجود داشت. گذشته از این، زغال سنگی در آنجا وجود نداشت. به طوری که ماشینهای خورشیدی مخصوصا در آنجا سودمند بودند. وی در شمال افریقا ماشینهای خورشیدی زیادی ساخت که برای مقاصد مختلف به کار گرفته می شدند.

هر چند که چنین ماشینهای خورشیدی کار می کردند، اما نسبت به ماشینهای بخار معمولی بسیار

گرانقیمت تر بودند .

این موضوع ,با توجه به اینکه نور خورشید مجانی است ,ممکن است عجیب به نظر برسد . اما

قطعاتی از ماشین خورشیدی وجود دارند که به هیچ وجه مجانی نیستند . یک آینه خمیده برای

متمرکز کردن نور خورشید گرانقیمت است و به سادگی آسیب می بیند . هم چنین این آینه باید

در تمام مدت بچرخد تا رو به خورشید قرار گیرد ,این کار در آن زمان پر زحمت بود .

آب داغ :

برای استفاده از آب ,لازم نیست که همیشه آب به جوش بیاید . گاهی وقتها تنها آب گرم نیز

کافی است . مثلاً در حالی که شستشو با آب سرد اصلاً کار راحتی نیست ,شستشو با آب بسیار داغ

کار بدتر است . بهترین آب برای شستشو آبی است که گرمای ملایمی داشته باشد . این موضوع نه

تنها برای شستشو بدن درست است ,بلکه برای شستن ظرفها و لباسها با دست نیز این چنین است .

هنوز هم گرم کردن آب به حد کافی به منظور استفاده در کار شستشو به این معنی است که آن

را با نوعی آتش افروختن گرم کنیم ,و چون برای شستشو آب زیادی لازم است ,معمولاً باید

آتش بزرگی را برای مدتی طولانی برافروخته نگهداریم . خرد کردن چوب یا حمل زغال برای

برافروخته نگهداشتن آتش کار سختی است ,و هزینه زیادی دارد . به این سبب پیش از قرن حاضر

مردم در هفته روزی خاص به نام (روز شستشو) داشتند تا همه این کارها در یک روز انجام شود. از این گذشته، مردم فقط می توانستند تنها یک بار در هفته حمام کنند.

اما اگر خورشید کار گرم کردن را انجام دهد چه؟ اگر مخزنی پر از آب در مقابل نور خورشید قرار گیرد، گرم می شود، این طور نیست؟

البته گرم می شود اما برای این کار وقت زیادی لازم است، دست کم یک نصف روز و پس از آن اگر آسمان ابری شود. یا مخصوصا اگر شب فرا برسد، آب به سرعت سرد خواهد شد.

با این حال در سال ۱۸۹۱ کلارنس م. کمپ (Kemp Clarence M) مخترع امریکای کپسولهای از آب را درون جعبه ای قرار داد که با نمد پوشیده شده بود، تا مانع از فرار گرما از جعبه شود. بالای جعبه از شیشه ساخته شده بود و به این ترتیب او یک جعبه داغ در اختیار داشت.

نور خورشید از میان شیشه عبور می کرد و آب درون جعبه گرم می شد، ولی گرما نمی توانست به راحتی از نمد بگذرد. در نتیجه درون جعبه با سرعت بیشتری گرم می شد

و برای مدت طولانیتری گرم باقی می ماند. مردم چنین آبگرمکنهای خورشیدی را در پشت

بام خانه هایشان جایی که در برابر آفتاب بود، قرار دادند. آب سرد بیشتری به مخزن وارد

می شد تا گرم شود.

آب هنوز هم به سرعت در هنگام شب از طریق شیشه بالای جعبه که در معرض هوای سرد شب قرار

داشت، سرد می شد، به طوری که در هنگام صبح هرگز آب در اختیار نبود. در طول روز آب داغ بیشتر و بیشتری به مخزن ذخیره آشپزخانه اضافه می شد. ولی در طول شب آبی به مخزن اضافه نمی شد. در این صورت، آب در مخزن ذخیره به کندی سرد می شد. و در هنگام صبح آب گرم برای حمام و شستشو در اختیار بود. با فرارسیدن صبح باز آب داغ بیشتری در مخزن جمع می شد. به طور طبیعی این نوع وسیله در آب و هوایی به خوبی کار می کرد که آفتاب زیاد و دما بالا بود. آفتاب زیاد آب داغ زیاد تولید می کند. و دمای بالا مانع سرد شدن سریع آن می شود. به این دلیل بود که استفاده از آبگرمکنهای خورشیدی مخصوصا در مکانهای مثل کالیفرنیا جنوبی معمول شد. استفاده از این در آریزونا و نیو مکزیکو و پس از آن در فلوریدا توسعه یافت. اما با پیشرفتهای بعدی که در مورد سایر منابع انرژی روی داد توجه به استفاده از آبگرمکنهای خورشیدی کمتر شد. مثلا، ذخایر جدیدی از گاز طبیعی کشف شد. این به معنی این بود که گاز ارتر و بیشتر فراهم می شد. برای گرم کردن آب دیگر نیازی برای خرد کردن چوب و حمل زغال سنگ نبود. فقط یک مخزن آب لازم بود که شیر گازی در آن باشد. کافی بود شیر گاز را باز کنید و گاز را آتش بزنید تا آب گرم شود. این کار می توانست در شب، روزهای ابری، در زمستان و هر زمان که آب داغ نیاز بود انجام گیرد. وقتی که به دست آوردن آب داغ آسان شد، مردم ظرفشوییهای خودکار و لباسشوییهای خودکار خریدند و به ساختن حمامهای و نصب دوشهای بیشتر اقدام کردند. به این ترتیب نیاز به آب

داغ بیشتر از آن شد که فراهم کردن آن با آبگرمکنهای خورشیدی ممکن باشد
پس از جنگ جهانی دوم، که در سال ۱۹۴۵ پایان گرفت، ناگهان استفاده از نفت و گاز افزایش فوق

العاده ای یافت. در طول جنگ صرفه جویی در سوخت تا حد ممکن برای استفاده نیروهای مسلح با
اهمیت جلوه می کرد، اما پس از جنگ مردم حس کردند که می توانند صرفه جویی را کنار بگذارند
. میدانهای نفتی بزرگ جدیدی در خاورمیانه کشف شد، و ناگهان به نظر آمد که

نفت و گاز بیشتر از حد استفاده مردم وجود دارد. در همه جا مردم می توانستند بدون هیچ زحمتی
همه گرمای مورد نیاز خود را با وسایل نفت سوز جدید فراهم کنند. دیگر نیازی نبود که با بیل زغال

سنگ به درون کوره بریزند و با زحمت خاکستر آن را بیرون بکشند. کافی بود مخزن نفت را پر کنند
و یک ترموستات همه کار را انجام دهد. قیمت نفت در سالهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به پایتترین مقدار
خود رسید و به نظر نمی آمد کسی به انرژی خورشیدی علاقه مند باشد. استفاده از این انرژی اصلا

لازم به نظر نمی آمد.

سلولهای خورشیدی

نور خورشید انرژی کافی دارد تا الکترونهاى بعضی از انواع اتمهای را آزاد کند. در این حالت
اگر موادی که شامل چنین اتمهایی هستند، در معرض نور قرار گیرند جریانی الکتریکی ایجاد
خواهند کرد. مدت زیادی پیش از آنکه دانشمندان چیزی درباره الکترونها بدانند، این رابطه میان

نور و الکتریسیته را کشف کردند. در سال ۱۸۷۳ شیمیدانی به نام ویلویی اسمیت (Smith)

Willoughby) ، به طور تصادفی کشف کرد که فلز سلنیم وقتی کهنور بر آن می تابد می تواند جریانی الکتریکی را هدایت کند: در حالی که این فلز در تاریکی نمی تواند جریانی الکتریکی را هدایت کند . در ابتدا این کشف تنها چیزی عجیب به حساب می آمد ، زیرا مقدار الکتریسیته تولید شده بسیار کم بود . اما عاقبت موارد استفاده ای برای آن پیدا شد .

مثلا سلنیم می تواند در چشمهای الکتریکی به کار رود . چشم الکتریکی محفظه کوچکی است که هوای درون آن تخلیه شده است . این محفظه شامل سطحی فلزی است که با لایه ای از سلنیم پوشیده شده است . هنگامی که نور بر آن می تابد ، الکترونها از سلنیم رها می شوند و در نتیجه جریانی الکتریکی کوچکی به راه می افتد . این جریانی الکتریکی می تواند دستگاه رله ای با کشش فوری باز می شود ، بسته نگه می دارد . چشمی الکتریکی را تصور کنید که در یک طرف سالی درست در جلوی در قرار دارد . و نور ضعیفی در طرف دیگر سالن بر چشم الکتریکی می تابد . تا زمانی که نور می تابد در بسته می ماند . اما اگر شخصی به طرف در نزدیک شود ، بدن او جلوی راه نور را می گیرد . به محض عبور شخص جریانی الکتریکی در چشم الکتریکی متوقف شده ، در باز می شود . چشم الکتریکی نمونه ای از سلول فوتو الکتریکی است . فوتو الکتریکی با تابش نور خورشید کار کند در این صورت به آن سلول خورشیدی می گویند .

از طرف دیگر ، مدت زیادی است که دانشمندان بر روی مسئله وسایل کنترل جریانهای الکتریکی کار می کنند . آنان می خواهند این وسایل را طوری تغییر دهند که هم محکم و ظریف

باشند و هم به سرعت کار کنند. در بیشتر شالهای این قرن، از حبابهای شیشه ای خالی از هوا استفاده می شد. در این حبابها قطعه های فلزی جا گذاری شده بود. وقتی که یکی از قطعه های فلزی گرم می شد الکترونها از میان خلا، از این قطعه به قطعه دیگر، عبور می کردند. با تغییر دادن خصوصیات این قطعه ها از بیرون، جریان الکترونها می توانست سریعتر یا کندتر شود. به این ترتیب، با ایجاد تغییرات سریع در جریان الکترونها، رادیو، تلویزیون، و دستگاههای الکترونیکی دیگر ساخته شد. در واقع، حبابهای شیشه ای معمولاً لامپهای رادیویی نامیده می شوند. در سال ۱۹۴۸ کشف شد که بعضی از مواد که در حالت عادی رسانای جریان الکتریکی نیستند، می توانند الکترونها را از اتمهای خود خارج سازند. به این ترتیب آنها می توانند جریان را نسبتاً خوب هدایت کنند، به همین دلیل، این مواد را نیمرسانا می نامند. اگر نیمرساناها از مواد بسیار خالصی ساخته شوند که فقط اندکی از اتمهای معین دیگری به آنها افزوده شده باشد، الکترونها می تواند با سهولت خاصی از آنها رها شده و تحت کنترل قرار گیرند. این الکترونها را می توان واداشت که درست مثل مورد لامپهای رادیویی تندتر یا کندتر حرکت کنند. این وسایل نیمرسانا که ترانزیستور نامیده می شوند، کم، کم، جای لامپهای رادیویی را گرفتند. ترانزیستورها برخلاف لامپهای رادیویی نیازی به گرم شدن ندارند، به طوری که وسایل ترانزیستوری بدون دوره (گرم شدن) به کار می افتند. ترانزیستورها سخند و شکسته و فرسوده نمی شوند. مهمتر از اینکه ترانزیستورها را می تواند بسیار

کوچکتر از لامپهای ساخت . دستگاههای که در آنها از ترانزیستور استفاده می شود می توانند بسیار کوچکتر از قبل ساخته شوند . شما می توانید رادیو های یا کامپیوترهایی جیبی

داشته باشید که با باتریهای کوچک کار کنند زیرا ترانزیستورهای با جریانهای الکتریکی کمتر نسبت به لامپهای رادیویی کار می کنند . در سالهای دهه ۱۹۵۰ دانشمندان خیلی به ترانزیستور ها توجه نشان

می دادند . یکی از موادی که ترانزیستور ها می توانند از آنها ساخته شوند

سیلیسیم است . این ماده بسیار فراوان ، واز این لحاظ دومین عنصر روی زمین است .

تقریباً یک چهارم شن و سنگ محیط اطراف ما از سیلیسیم تشکیل شده است . در سال ۱۹۵۴

دانشمندان در آزمایشگاه بل - تلفن (جایی که ترانزیستور در آنجا اختراع شد) مشغول

کار با سیلیسیم بودند و سعی می کردند که از آن کاری بهتر بگیرند . وقتی که آنان سیلیسیم

را در معرض نور قرار دادند . کاملاً به طور تصادفی متوجه شدند که جریان الکتریکی پدیدار می

شود . سیلیسیم بسیار بهتر از سلنیم عمل می کرد . حدود ۴ درصد از انرژی نور خورشید که بر

سیلیسیم می تابید به الکتریسیته تبدیل می شد ، ودر نتیجه سیلیسیم پنج مرتبه کاراتر از سلنیم بود .

دانشمندان به کار برروری سیلیسیم ادامه دادند . ذره های کوچکی از مواد دیگر را به افزودن نور

خورشید را به الکتریسیته تبدیل می کرد . اما مشکلی بر سر را وجود داشت .

اتمهای سیلیسیم که یک چهارم تمام شن و سنگ دنیا را می سازند به طوری محکم به اتمهای

اکسیژن متصلند . شکستن این پیوند و رها ساختن اتمهای سیلیسیم کار سختی است . و کوشش

زمان وانرژی زیادی را صرف می کند. سیلیسیمی که به این به دست می آید بسیار گران است. اگر تکه جامدی از سیلیسیم داشته باشیم باید آن به صورت ورقه های بسیار نازکی بتراشیم و مقدار دقیقی ناخالصی به آن بیفزاییم. این کارها سبب گرانتتر شدن آن می شود. سرانجام، یک سلول خورشیدی سیلیسیمی فقط مقدار کمی الکتریسیته کافی برای بسیار از

نیازها، باید سلولهای خورشیدی زیادی با هم کار کنند. با این حال سلولهای خورشیدی ارزش خود را در فضا نشان دادند. از سال ۱۹۵۷ به بعد، اتحاد شوروی و ایالتهای متحد آمریکا شروع به قرار دادن ماهواره هایی در مدار اطراف زمین کردند. همچنین کاونده هایی به

ماه و سیاره های دیگر، حتی به سیاره ثوری چون زحل، که ۱۲۸۰ میلیون کیلومتر با زمین فاصله دارند، فرستادند. ماهواره ها و کاونده ها برای به کار انداختن دستگاهها که حمل می کنند و رادیوهای که به کمک آنها با زمین در تماس هستند، انرژی لازم دارند. منبع این انرژی باید بسیار سبک و برای سالیان زیاد در حال کار باشد. به نظر می رسد که سلولهای خورشیدی برای این کار مناسب باشند. استفاده کرد و آنها را به خوبی عمل کردند. برای ماهواره های انرژی زیادی مورد نیاز نبود و منبع

توان دیگری که بتواند به خوبی عمل کند وجود نداشت. اما روی

زمین مسئله فرق می کرد سلولهای خورشیدی نمی توانستند با منابع دیگر رقابت کنند.

الکتریسیته ای که به روشهای دیگر تولید می شد بسیار ارزانتر بود. در طول سالهلی دهه ۱۹۶۰ و حتی دهه ۱۹۷۰ استفاده از نور خورشید همچنان به صورت رویا باقی ماند.

